Original Article Open Access



Child Rights Journal

2021; 3(11): 27-39

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity

The Iranian Association of Medical Law

The Iranian Association of Child Rights

The Child's Right to Happiness

Sahar Karimi[1]*, Abbas Karimi[2]

1. Department of Private Law, Kharazmi University, Tehran, Iran.
2. Department of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: "The Right to Happiness" can be considered as mental health in contrast to the right to physical health; A right that is one of the definitive rights of human beings. This right is especially important for children. The purpose of this article is to recognize and distinguish the concept of the child's right to happiness and examine its types and examples.

Method: The presentation and analysis of discussions has been done using the descriptive-analytical method and data collection was in a library (documentary).

Results: Contrary to pleasure, happiness is a concept that is not dependent on it despite being influenced by the environment and in fact, happiness is a face of mental and spiritual health that provides the basis for the optimal management of emotions in the face of environmental factors. This issue becomes especially important in relation to children because the life of a child is a function of his family life and his surrounding environment, which does not play a role in their choice and therefore the responsibility of the legislator and executives to try to provide a happy environment for children is more.

Conclusion: Governments have an important responsibility in providing spiritual happiness for children. According to the Convention on the Rights of the Child, a child should grow up in a family environment with an atmosphere of happiness, love and mutual understanding. It seems that in this case, which brought happiness among children's rights, both spiritual and material happiness can be considered. In the meantime, with a broad interpretation of the right to education, this right can be seen as an effective factor for the realization of spiritual happiness and a means to ensure it.

Keywords: The Right to Happiness; The Right to the Pursuit of Happiness; The Non-Material Happiness; Child; Human Rights

Corresponding Author: Sahar Karimi; **Email:** karimi_sahar@khu.ac.ir

Received: September 6, 2021; **Accepted:** October 20, 2021

Please cite this article as:

Karimi S, Karimi A. The Child's Right to Happiness. Child Rights Journal. 2021; 3(11): 27-39.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد

فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۳۹-۲۷

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران
اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

تأملی بر حق نشاط کودک

سحر کریمی[1]*، عباس کریمی[2]

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حق نشاط را می‌توان به عنوان سلامت روانی در مقابل حق بر سلامت جسمانی تلقی کرد؛ حقی که به عنوان یکی از حقوق مسلم بشر آورده شده است. این حق در مورد کودکان از اهمیت مضاعفی برخوردار است. هدف این نوشتار، بازشناسی و تمیز مفهوم حق نشاط کودک و بررسی انواع و مصادیق آن است.

روش: ارائه و تحلیل مباحث با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) انجام پذیرفته است.

یافته‌ها: برخلاف لذت، نشاط مقوله‌ای است که به رغم تأثیرپذیری از محیط، به آن وابسته نمی‌باشد و در حقیقت، نشاط چهره‌ای از سلامت روانی و معنوی است که زمینه مدیریت مطلوب احساسات در مواجهه با عوامل محیطی را فراهم می‌آورد. این موضوع مهم در رابطه با کودکان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، زیرا زندگی کودک تابعی از زندگی خانوادگی و محیط پیرامونی وی است که در انتخاب آنان نقشی ندارد. بنابراین مسئولیت قانونگذار و مجریان برای تلاش در راستای فراهم‌نمودن محیط بانشاط برای کودکان، دوچندان می‌شود.

نتیجه‌گیری: دولت‌ها در راستای فراهم‌آوردن نشاط معنوی برای کودکان مسئولیت مهمی دارند. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، کودک باید در محیط خانوادگی با فضایی که در آن شادی، عشق و درک متقابل موجود است بزرگ شود. به نظر می‌آید در این مورد که شادی را از جمله حقوق کودکان آورده است، بتوان هم نشاط معنوی و هم نشاط مادی را در نظر گرفت. در این میان، با تفسیر موسع از حق آموزش، این حق را می‌توان عاملی مؤثر برای تحقق نشاط معنوی و ابزاری برای تضمین آن دانست.

واژگان کلیدی: حق نشاط؛ حق دنبال‌کردن شادی؛ نشاط معنوی؛ کودک؛ حقوق بشر

نویسنده مسئول: سحر کریمی؛ **پست الکترونیک:** karimi_sahar@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Karimi S, Karimi A. The Child's Right to Happiness. Child Rights Journal. 2021; 3(11): 27-39.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

مقدمه

حق نشاط را می‌توان به عنوان سلامت روانی در مقابل حق بر سلامت جسمانی آورد، حقی که به عنوان یکی از حقوق مسلم بشر آورده شده است. سازمان جهانی بهداشت حق بر سلامت و بهداشت جسمانی را به عنوان یکی از حقوق آحاد بشری ذکر نموده که در واقع این حق به منزله نوعی حق بر دسترسی به امکانات برای دستیابی به بالاترین میزان سلامت جسمانی ممکن است. اساس‌نامه این سازمان بیان می‌دارد که داشتن بالاترین میزان سلامت قابل‌دستیابی یکی از مصادیق حقوق اساسی بشر است و حق دستیابی به امکانات بهداشتی و درمانی باکیفیت قابل‌قبول برای تمامی افراد وجود دارد. در رابطه با حق نشاط معنوی نیز سؤالی که مطرح است، این است که آیا حق بر شادی افراد مسئولیتی را برای فراهم‌آوردن امکانات در راستای رسیدن به محیط شاد و بانشاط زیستن نیز برای حکومت‌ها ایجاد می‌نماید؟ به عبارت دیگر، باید دید که آیا این موضوع حق اثباتی نیز برای افراد ایجاد می‌نماید؟

بسیاری از سیاستمداران نشاط را هدفی عینی برای دستیابی کشورها مطرح نموده و در نتیجه شاخص نشاط و رسیدن به آن در اتخاذ سیاست‌های عمومی دولت در نظر گرفته می‌شود. روشن است که دستیابی به نشاط چه به عنوان یک حق فردی و چه به عنوان یک سیاست اجتماعی جز از طریق قانونگذاری نمی‌تواند مورد حمایت رسمی قرار بگیرد. به عبارت دیگر، نقطه اتصال حقوق به این مفهوم بسیط و اساسی، لزوم تلاش همه‌جانبه در راستای حمایت از آن و بهره‌گیری هرچه بیشتر از قوانین جهت نیل به این هدف است.

در این راستا پژوهش حاضر ابتدا به بررسی مفهوم حق و نشاط پرداخته است و در ادامه، انواع، مصادیق و ضمانت‌اجراهای حق نشاط کودکان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش

این مطالعه به شیوه نظری با بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی و ضمن مراجعه به اسناد و مدارک کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

یافته‌ها

۱. مفهوم حق و نشاط و تمییز آن از مفاهیم مشابه:

به رغم تعاریف متفاوتی که از نشاط وجود دارد، ارائه یک تعریف جامع و مانع و روشن از آن کار دشواری است و مسأله‌ای که هنوز روشن نیست این است که اساساً مفهوم نشاط چیست و چه مصادیقی را دربر می‌گیرد، به علاوه از آنجا که نشاط را به عنوان حقی برای افراد مطرح کرده‌اند، لازم است معنای حق نیز به طور جداگانه مورد بررسی واقع شود. مفهوم حق نیز مفهومی اساسی است که با این وجود به نظر می‌رسد در رابطه با تعریف آن و همچنین دایره مصادیق آن اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ برای انجام پژوهش حاضر، ارائه تعریف روشن، جامع و مانع از این دو مفهوم ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا مبحث حاضر به بررسی مفهوم حق (بند نخست) و مفهوم نشاط (بند دوم) می‌پردازد.

۱-۱. مفهوم حق و تمییز آن از آزادی: یکی از سؤالاتی در راستای شناخت حق بر شادی وجود دارد، جایگاه آن بوده و در این معنا، قرارگرفتن آن در زمره یک حق خصوصی Subjective Right و یا یک آزادی مدنی Civil Freedom مورد سؤال است (۱). در نظر گرفتن هر یک از رویکردهای فوق، مسئولیت‌ها و وظایف متفاوتی را بر افراد و جامعه بار می‌کند و لازم است جهت روشن‌شدن

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

موضوع، ابتدا به بررسی مفهوم حق پرداخته (۱-۱-۱) و سپس تمییز آن از مفهوم آزادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (۱-۱-۲).

۱-۱-۱. مفهوم حق: مفهوم حق در اعصار مختلف همواره مورد توجه گروه‌های مختلف انسانی بوده و از مفاهیم اساسی در هر جامعه‌ای بوده است. حقوق در دو معنای شخصی و عینی به کار بسته می‌شود (۲). با وجود جنجال‌هایی که پیرامون مفهوم حق و حقوق در معنای فوق وجود دارد، هرگاه حقوق به عنوان جمع واژه «حق» (و نه علم حقوق) استفاده شود و در آن به توانایی و امتیازی که در اختیار یک شخص است توجه شود و نه موضوع خود حق، حق شخصی مد نظر است. به همین دلیل است که در مکتب کلاسیک، حق را به عنوان «اختیاری که به یک شخص تعلق دارد تا یک قاعده حقوقی را در یک مورد خاص مورد استفاده قرار دهد و از منافع آن بهره برد» تعریف می‌نمودند (۳). بدین ترتیب در این مکتب، اراده فقط در مرحله استفاده از حق فعال نیست، بلکه در مرحله تولید هنجارهای حقوقی نیز مؤثر است (۴).

تعریف کلاسیک از حق، توسط فلاسفه‌ای که در فلسفه حقوق قلم زده‌اند، مورد نقد واقع شده و تعاریفی جدیدتر از حق به دست داده شده که مهم‌تر از همه، تعریف ایهرینگ است. بنا به نظر وی «حقوق عبارتند از منافعی که قانوناً مورد حمایت قرار گرفته است» (۵). با این همه، ابهامی که در مفهوم «منافع» وجود دارد، فهم دقیق اصطلاح حق را دشوار می‌کند. درست است که حق حیات و یا حتی بخش مهمی از حقوقی چون مالکیت، ریشه در حقوق طبیعی دارد و یک نظام حقوقی آن‌ها را ایجاد نمی‌کند، بلکه مورد شناسایی قرار می‌دهد و از آن‌ها حمایت می‌نماید، لیکن بخش عمده‌ای از حقوق هم توسط نظام حقوقی ایجاد می‌گردند و هم مورد حمایت واقع می‌شوند. مشکل این تعاریف، حتی با تلاشی که حقوقدانان در اصلاح و تکمیل آن نموده‌اند، برطرف نمی‌گردد.

در این میان از همه مشهورتر، تعریفی که به نقش اراده در نمایندگی و دفاع از حق تکیه نموده و حق را به عنوان «نفع یک انسان یا گروهی از انسان‌ها که از طریق شناسایی قدرت اراده آنان توسط نظام حقوقی در نمایندگی از آن نفع یا دفاع از آن» تعریف نموده است (۶) خودنمایی می‌کند. بر اساس تعریف، حقوقی چون حق حیات که در اختیار دارنده حق نیست تا بتواند از آن اعراض کند و یا به دست خود از طریق خودکشی، آن را از بین ببرد، نیز در ردیف حق قرار می‌گیرند، چون اعمال حق و دفاع از آن در هر حال در اختیار آنان است. این تعریف را بخواهیم ساده‌تر مطرح کنیم، می‌توان در قالب یک جمله این‌گونه بیان نمود که «حق عبارت است از امتیازی که در اختیار یک شخص یا اشخاص قرار گرفته تا آن را اعمال نمایند و در قبال دیگران از آن دفاع کنند.»

بدین‌ترتیب حق نشاط کودکان که توسط خود آنان و نمایندگان قانونی آنان از قبیل ولی یا قیم قابل اعراض و اسقاط نیست و اراده آنان در این بخش هیچ تأثیری ندارد، لیکن توسط خود آنان یا نمایندگی قانونی آنان و یا حتی توسط بخشی از حاکمیت یا سازمان‌های مردم‌نهاد و یا از سوی مجامع بین‌المللی صالح قابل مطالبه و دفاع است، یک حق به معنای مصطلح خود محسوب می‌شود.

۱-۱-۲. تمییز حق از آزادی: تفاوت و تمییز حق نشاط The Right to Happiness با حق به دنبال نشاط رفتن The Right to the Pursuit of Happiness از مواردی است که مورد سؤال بوده و موضوع پژوهش‌های مختلف فلسفی و حقوقی است (۱)؛ باید گفت حق نشاط اگر به

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

معنای چیزی بیش از حق به دنبال نشاط رفتن باشد، علاوه بر شناسایی این حق، نیازمند برخورد فعالانه حکومت‌ها و دولت‌ها در راستای رسیدن به آن است و صرف جلوگیری‌نکردن از دستیابی افراد به شادی، مسئولیت حکومت‌ها و دولت‌ها را در این راستا برآورده نخواهد ساخت (۷).

آزادی همانطور که حقوقدان مشهور فرانسوی ریپر تعبیر نموده، «حقوق تعریف نشده (Droits Indifinis) است (۸). به تعبیر دقیق‌تر، امتیازات و اختیارات یک شخص به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته نخست، امتیازات و اختیاراتی که در نظام حقوقی به رسمیت شناخته شده‌اند (فارغ از اینکه خود نظام حقوقی ایجادشان کرده باشد یا خیر) و کسانی که در قبال دارندگان حق، تکلیف و تعهد به رعایت دارند مشخص شده است؛ دسته دیگر، امتیازات و اختیاراتی که به طور طبیعی وجود دارد و در نظام حقوقی تعریف نشده‌اند و تحت عنوان آزادی‌های خصوصی به طور کلی مورد حمایت قانونگذار قرار می‌گیرد، همانند آزادی آمد و شد.

دسته دوم اختیارات، آزادی قلمداد می‌شوند بدون اینکه به معنای خاص کلمه، حق محسوب گردند. بین این دو اختیار، نه‌تنها از حیث ماهوی تفاوت وجود دارد که از حیث احکام و آثار نیز متفاوت‌اند. به عنوان نمونه، سوءاستفاده از آزادی در هر حال ممنوع است، در حالی که سوءاستفاده از حق با شرایطی که در حقوق غرب تحت عنوان قاعده سوءاستفاده از حق Abus de Droit تبیین شده و در حقوق اسلام، ذیل قاعده لاضرر بیان گشته است، منع می‌گردد. در بین حقوق، حق‌هایی وجود دارند که دلبخواهی و به هر نحوی که مد نظر دارنده باشد، قابل استفاده می‌باشند، همانند حق وصیت کردن نسبت به اموال، در حالی که آزادی دلبخواهی وجود ندارد (۴). مکلفین رعایت حقوق، فرد یا افراد محدودی هستند، در حالی که مکلفین رعایت آزادی به صورت محدود مشخص نشده‌اند. با این توصیف روشن است که حق به دنبال نشاط‌رفتن، در واقع آزادی استفاده از نشاط است، در حالی که حق نشاط کودکان، تأمین امتیاز و اختیاری است که توسط نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی شناخته شده و مکلفین به تأمین این حق اعم از سرپرستان کودکان، مؤسسات آموزشی و پرورشی و قوه حاکم و دولت‌ها مخاطبین محدود تعیین تکلیف به شمار می‌روند. در حقوق داخلی نیز، تمام مبانی فقهی که برای تبیین این حق قابل بیان است، با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، مؤید وضع حقی به نام حق نشاط برای کودکان قلمداد می‌شوند.

۱-۲. مفهوم نشاط و تمییز آن از لذت: شادی و نشاط حقیقی در پرتوی رضایت و سلامت روانی کودکان و به صورتی پایدار ممکن است. با این حال گاه به اشتباه مفهوم نشاط برابر با مفهوم لذت در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که لذت می‌تواند همراه با خشونت و یا قانون‌شکنی بوده و در نتیجه با شادی و نشاط پایدار در تعارض باشد. برای روشن‌شدن موضوع، ابتدا به بررسی مفهوم نشاط پرداخته و سپس تمییز آن از مفهوم لذت تبیین خواهد شد.

۱-۲-۱. مفهوم نشاط: با وجود اینکه که مفهوم شادی از مفاهیمی پرکاربرد و مورد توجه در زمینه‌های مختلف و به طور ویژه در آثار فلسفه سیاسی می‌باشد، تعریف روشنی از آن در دست نیست (۹).

لغت‌نامه دهخدا، نشاط را به خوشی، شادمانی، خرمی، سرور و شادی و همچنین سرزندگی، دل زندگی، زنده دلی و خوشدلی معنا کرده است (۱۰). همچنین شادی را به معنای خوشحالی، بهجت، مسرت، نشاط، طرب، وجد، انبساط، سرور، فرح و خوشدلی آورده و مقابل اندوه، غم، سوگ و تیمار می‌داند (۱۰). در فرهنگ معین نیز در

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

تعریف نشاط آن را مترادف شادمانی و خوشی دانسته و در تعریف شادی آن را مترادف با ابتهاج، انبساط، بهجت، خرمی، خوشحالی، سرور، شادمانی، فرح، مسرت، نزهت، نشاط، جشن، طرب، عشرت، عیش، بوزینه و میمون و همچنین متضاد اندوه و غم آورده است (۱۱). بر اساس فرهنگ لغت آکسفورد، شادی به حالت رضایتی گفته می‌شود که فرد از خوب یا درست‌بودن چیزی دارد (۱۲). همچنین در فرهنگ لغت کمبریج، شادی به حالتی گفته می‌شود که فرد در آن راضی و شاد است. در فرهنگ لغت المنجد در تعریف سعادت آمده است که مخالف شقاوت است (۱۳) و همچنین در تعریف فرح، آن را معادل سرور آورده و آن چیزی می‌داند که فردی که به خوشی بشارت می‌دهد، موجب آن می‌شود (۱۳).

ارسطو برای ارائه تعریفی از شادی و نشاط، به بررسی مفهوم خیر از یکسو و واقعیت‌های انسانی از سوی دیگر می‌پردازد (۱۴). بر این اساس، شادی در نظر او خیر برتر و لذت برتر بوده که این دو عنصر را تفکیک‌ناپذیر می‌داند و جوهره شادی و نشاط را در فعالیت روحی می‌داند که با یک هدف در طول یک زندگی متعالی در جستجوی فضیلتی متعالی است (۱۴). بنابراین از نظر وی انسان شاد و سعادتمند کسی است که همواره بر اساس فضیلت متعالی عمل نماید و بتواند آن را در طول زندگی خویش به کار گیرد. از نظر ارسطو، شادبودن یک وظیفه بوده (۱۵) و شادی و به دنبال آن سعادتمندی و شکوفایی یک مفهوم بنیادین در تعریف کمال انسان و هدف جامعه است (۱۶).

۱-۲-۲. تمییز نشاط از لذت: نشاط و شادی در اغلب موارد به بیشترین میزان شعف و تجربه‌های شادی‌آور در زندگی معنا می‌شود، البته این برداشت بیشتر به یک تلاش ملال‌آور برای رسیدن به لذت نزدیک است، در حالی که رضایت و نشاط واقعی که بتواند مانا و پایدار باشد از سلامت روانی نشأت می‌گیرد (۱۷). نشاط واقعی در شیوه‌ای از زندگی قابل دستیابی است که در آن نشاط به عنوان یک امر لحظه‌ای تلقی نشده و بلکه یک مسیر تکامل مستمر می‌باشد (۱).

در حقیقت، یکی از اشتباهات رایج، عدم تمییز صحیح دو واژه لذت و نشاط است. لذت‌بردن در حقیقت یک عامل وابسته به شرایط و محیط است که بر اساس زمان و مکان حضور فرد ممکن است متفاوت باشد. لذت‌بردن در صورتی که بیش از حد باشد نیز ممکن است موجب دلزدگی شود، چنانچه خوردن غذای بسیار خوشمزه و لذت‌بخش و یا استفاده از ترن هوایی که شادی‌آفرین است اگر از میزان متعادل آن خارج شود، در جهت عکس عمل نموده و ممکن است منجر به ناراحتی و آزار فرد گردد. همانطور که شاعر پارسی‌زبان سروده: «طرب آزرده کند دل چو از حد گذرد، آب حیوان بکشد نیز چو از سر گذرد» به عبارت دیگر لذت‌بردن فرآیند مصرفی است و مثل یک شمع بوده که با استفاده از آن تا یک سقفی می‌توان روشنایی و حس خوب را تجربه نمود.

همچنین لذت می‌تواند همراه با خشونت، طمع، قساوت و یا قانون‌شکنی باشد، در حالی که تمام این موارد با شادی و نشاط پایدار در تعارض هستند، حتی عده‌ای از محققین پا را فراتر گذشته و بیان داشته‌اند که حق نشاط یا حق دستیابی به آن از جمله مسائلی است که در حقیقت موجب نقض غرض می‌شود، چراکه بر اساس گزارش‌های موجود در آمریکا، بیشتر افرادی که فعالانه در جستجوی شادی بوده‌اند به آن نرسیده و یا بیشتر در معرض ناکامی و افسردگی قرار گرفته‌اند (۱۸)، البته این نسبت در تمام کشورها یکسان نبوده و برای مثال بر اساس آمار، افرادی که در کشورهای روسیه، تایوان و ژاپن در راستای دستیابی به شادی گام برداشته بودند، بیشتر به آن دست پیدا کرده‌اند. برخلاف لذت، نشاط مقوله‌ای است که به

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

رغم تأثیرپذیری از محیط به آن وابسته نمی‌باشد. در حقیقت این نشاط و خوشحالی درونی است که می‌تواند ابزاری را هدیه بدهد تا بتوان با آن با شرایط مختلف بیرونی کنار آمد. شاید بتوان گفت که حق سلامت روانی (در مقابل سلامت جسمانی) عنوان دقیق‌تر، شفاف‌تر و عملی‌تری به نظر برسد. نشاط معنوی نیز از موارد بارز بحث سلامت روانی به حساب می‌آید.

۲. حق نشاط کودکان: انواع، مصادیق و ضمانت‌اجراهای آن: در راستای بررسی حق نشاط به عنوان یکی از حقوق مسلم بشر، شایسته است که به حق نشاط کودکان به طور خاص پرداخت، چراکه وقتی در رابطه با حقوق کودک صحبت می‌شود، در حقیقت از دو زاویه دید جامعه و والدین و نیز تکالیفی که در قبال کودکان دارند باید موضوع را بررسی نمود. وقتی از نشاط کودکان به طور خاص صحبت می‌شود، می‌توان آن را در دو مورد سلامت روحی و معنوی در کنار سلامت جسمانی و همینطور حق آموزش کودک مورد بررسی قرار داد. در کنوانسیون حقوق کودک که در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا گردید، مقرر گردیده که کودک باید در محیط خانوادگی با فضایی که در آن شادی، عشق و درک متقابل موجود است، بزرگ شود (۱۹). به نظر می‌آید در این مورد که کنوانسیون شادی را از جمله حقوق کودکان آورده است، بتوان هم نشاط معنوی و هم نشاط مادی را در نظر گرفت. در این راستا، مبحث حاضر ابتدا به بررسی انواع حق نشاط کودکان خواهد پرداخت و در ادامه مصادیق عینی و ضمانت‌اجراهای عملی موجود در این رابطه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲-۱. انواع حق نشاط کودکان و لزوم تناوب بین آن‌ها: نشاط و شادی در حقیقت ترکیبی از به‌زیستی درونی و رفاه بیرونی است (۲۰). رفاه بیرونی که عوامل نشاط مادی را فراهم می‌آورند به نوعی قدرت بوده و نشاط درونی و به زیستی از طریق ارتباط با خود نوعی فضیلت است (۲۰). کودک تنها زمانی در مسیر سعادت خواهد بود که فضیلت و قدرت را همزمان داشته باشد. به عبارت دیگر لازم است بین حق نشاط مادی کودک با حق نشاط معنوی وی تناسب وجود داشته باشد. در راستای روشن‌شدن موضوع، بند حاضر ابتدا نگاهی بر انواع حق نشاط کودک خواهد داشت (۲-۱-۱) و سپس لزوم تناوب بین این دو را بررسی خواهد نمود (۲-۱-۲).

۲-۱-۱. انواع حق نشاط کودکان: کودک نیز به عنوان انسان، دارای حق نشاط است که حق وی بر نشاط را می‌توان به دو دسته حق نشاط مادی و معنوی تقسیم کرد. تجمیع این دو و تضمین وجود آن‌ها می‌تواند در رشد صحیح نسل آینده و بالابردن کیفیت زندگی آن‌ها نقش به سزایی داشته باشد. در راستای آشنایی با حق نشاط مادی و معنوی، مبحث پیش رو به تفکیک آن‌ها را مورد بررسی قرار خواهد داد.

ـ حق نشاط مادی: حق نشاط از دیدگاه روایات اسلامی با حق بر تمامیت جسمی و حق حیات گره خورده است به حدی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «من کثر همّه، سقم بدنه» و در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «الغم یفنی الجسد» و غم موجب نابودی جسد و بدن قلمداد شده است. همچنین فرموده‌اند: «الهمّ یذیب الجسد» یا «الحزن یهدم الجسد»، داده‌های علم روان‌شناسی و پزشکی روز هم به اثبات رسانده‌اند که فقدان شادی موجب بیماری روح و جسم بشری است. از منظر ارسطو نیز انسان نمی‌تواند بدون یکسری لوازم خارجی مانند فرزندان و دوستان و امکانات مادی و تنها با فضیلت‌های درونی به شادی دست پیدا کند (۲۰)؛ این موضوع در مورد کودکان که در مسیر رشد

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

فضیلت‌های درونی هستند، پررنگ‌تر می‌شود و نیاز آن‌ها به عوامل مادی بیرونی در راستای ایجاد نشاط مادی جدی‌تر است به خصوص که خود آن‌ها به تنهایی معمولاً قادر به برآورده‌ساختن این شرایط نیستند.

ـ **حق نشاط معنوی:** حق نشاط معنوی که در مقابل حق نشاط مادی وجود دارد، بیشتر به سلامت روان و کیفیت روانی زندگی کودکان اشاره دارد. همانند حق نشاط مادی، حق نشاط معنوی نیز حق همگان است و روشن است که کودکان استحقاق بیشتری به این حق نشاط دارند به نحوی که بازی با کودکان در روایات دینی مورد توصیه اکید قرار گرفته است. همچنین از ارکان حسن خلق در اسلام، شوخی و مداعبه و ضحک برای ادخال سرور در قلوب مردم و همنشینان قلمداد شده است به نحوی که یک باب مستقل در جلد چهارم اصول کافی (ره) به «باب الدّعابة و الضحک» موسوم است که برای نمونه حدیث سوم این باب از امام صادق (ع) نقل می‌گردد: «انّ المداعبة من حسن الخلق و إنّک لتدخل بها السرور.»

بیانیه حقوق کودک آمریکا بیان می‌دارد که یکی از اهدافش این است که اطمینان حاصل نماید که تمامی کودکان، دوران کودکی شاد داشته باشند (۲۱). همچنین بیان می‌دارد که کودکان باید بدواً محافظت و آرامش دریافت نمایند و لازم است از آن‌ها در مقابل بی‌توجهی و خشونت محافظت نمود. با این حال بر کسی پوشیده نیست که متأسفانه کودکان، این موجودات حساس آینده‌ساز، اغلب تحت تأثیر روابط خانوادگی والدین آن‌ها، مدارس و جامعه به صورت کلی قرار می‌گیرند و تمامی آن‌ها از محافظت برخوردار نیستند. بنابراین لازم است قوانین محکمی در این حوزه به وجود بیاید که دارای ضمانت‌اجرای قوی برای محافظت از کودکان بوده و دستیابی آن‌ها به یک زندگی سالم و بانشاط را تضمین نماید. یکی از مصادیق این امر، تئوری مصونیت والدین است که در آمریکا مطرح گردیده و بر اساس آن، والدین مسئولیتی در مقابل خسارات ناشی از اعمال کودک خود را نخواهند داشت و کودکان دارای بیمه اجتماعی خواهند بود که مسئولیت جبران خسارات ناشی از اعمال آن‌ها را بر عهده خواهد گرفت (۲۲). این امر باعث می‌شود که احتمال اعمال زور و استرس از طرف والدین به کودک به جهت مسئول‌ندانستن آن‌ها، به طور محسوسی کمتر شود.

۲-۱-۲. لزوم تناوب بین نشاط مادی و نشاط معنوی: لازم است که شادی مادی با شادی و نشاط معنوی همراه گردد و در غیر این صورت، ضحک و شادی مفرط موجب مردن قلب می‌گردد. در این باب، روایات متعددی نیز آمده که روایت‌های یازدهم و ششم از اصول کافی باب مذکور نقل می‌گردد: «کثرة الضحک تذهب بماء الوجهُ» و «إنّ کَثْرَةَ الضّحِکِ تُمِیتُ الْقَلْبَ»، این بدان معنا نیست که انسان باید خود را از لذت‌های مادی محروم نماید، بلکه باید با بهره‌گیری از آن‌ها در راستای رسیدن به نشاط معنوی خود گام بردارد، چنانچه در این راه باقی احساسات متعادل و صحیح آدمی، از جمله غم و همدردی نیز درست پرورش یابد می‌تواند در راه رسیدن به حقیقت نشاط مورد استفاده قرار گیرد. تعریف‌های مذهبی در ادیان متفاوت نیز به این تمایز صحه گذاشته و نشاط واقعی را راه دستیابی به سعادت می‌دانند. در آیین بودائیسم، فرد زمانی به شادی دست می‌یابد که بتواند به ذات حقیقی واقعیت دست پیدا کند. در اسلام نیز شادی و نشاط حقیقی رابطه مستقیم با ایمان به خداوند دارد (۲۳) و تعمق در منابع فقه و روایات اسلامی نشان می‌دهد که از دیدگاه دین اسلام لازم است بین حق نشاط مادی کودک با حق نشاط معنوی وی تناسب وجود داشته باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

بر اساس قران کریم، توفیق برای شناخت این تعادل و رسیدن به آن، راه صحیح رسیدن به شادی و نشاط حقیقی است. در تناوب بین نشاط معنوی و شادی مادی روایت بیستم باب مزبور هم قابل ذکر است. بر اساس این روایت، امام موسی کاظم (ع) فرمودند: «کان یحیی بن زکریا (ع) یبکی و لایضحک و کان عیسی بن مریم (ع) یضحک و یبکی و کان الذی یصنع عیسی (ع) افضل من الذی کان یصنع یحیی (ع)». روایاتی که تعلیم ورزش‌های شادی‌آفرین و در عین حال رزمی و معنوی را به کودکان توصیه می‌نماید همانند: «علموا اولادکم السباحة و الرماية» از این دست می‌باشند. لزوم تعلیم قرآن و آموزه‌های دینی به زبان کودکانه به ویژه آمیخته با بازی و سرگرمی کودکانه نیز برای ایجاد تناسب بین شادی بدنی و شادی روحی (نشاط معنوی) مورد توصیه قرار گرفته است. کوتاه سخن این که شادی ضروری است و همراهی آن با نشاط معنوی حیاتی است.

۲-۲. مصادیق و ضمانت‌اجراهای حق نشاط کودکان:

با توجه به آنچه گفته شد، روشن گردید که دامنه حق نشاط کودک گسترده بوده، به نحوی که مرز دقیقی برای مصادیق چنین حقوقی وجود ندارد. با این حال مصادیقی عینی‌تر از حق نشاط کودکان وجود دارد که قوانین مختلف نیز ضمانت‌اجراهایی را برای آن در نظر گرفته‌اند. بند حاضر به بررسی مصادیق عملی دارای ضمانت‌اجرای نسبی در رابطه با حق نشاط کودکان می‌پردازد که در میان آن‌ها ابتدا حق نشاط به عنوان سلامت روانی مورد بررسی قرار گرفته و سپس حق آموزش کودکان به عنوان مصداقی از حقوق مرتبط با حق نشاط کودکان، تبیین و تحلیل می‌شود.

۲-۲-۱. حق نشاط به عنوان سلامت جسمانی و روانی: حق نشاط را می‌توان به عنوان سلامت روانی در مقابل حق بر سلامت جسمانی آورد، حقی که به عنوان یکی از حقوق مسلم حقوق بشر آورده شده است. سازمان جهانی بهداشت حق بر سلامت و بهداشت جسمانی را به عنوان یکی از حقوق آحاد بشری ذکر نموده که در واقع این حق به منزله نوعی حق بر دسترسی به امکانات برای دستیابی به بالاترین میزان سلامت جسمانی ممکن است. اساس‌نامه این سازمان بیان می‌دارد که داشتن بالاترین میزان سلامت قابل دستیابی یکی از مصادیق حقوق اساسی بشر است و حق دستیابی به امکانات بهداشتی و درمانی باکیفیت قابل قبول برای تمامی افراد وجود دارد.

از طرف دیگر، در رابطه با حق نشاط معنوی این سؤال مطرح می‌شود که آیا حق بر شادی افراد مسئولیتی را برای فراهم‌آوردن امکانات در راستای رسیدن به محیط شاد و بانشاط زیستن نیز برای حکومت‌ها ایجاد می‌نماید؟ به عبارت دیگر، باید دید که آیا این موضوع حق اثباتی نیز برای افراد ایجاد می‌نماید.

در بیانیه استقلال ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۷۷۶ آمده است که تمام انسان‌ها به صورت برابر با حقوق غیر قابل انکاری به دنیا آمده‌اند که حق حیات، حق آزادی و حق تعقیب شادی را به عنوان سه مورد از مهم‌ترین آن‌ها آورده است (۲۴). با این وجود به دو مورد اول توجه بسیار بیشتری نسبت به مورد آخر شده (۱۶) تا جایی که در اصول متفاوت قانون اساسی آمریکا بر این دو مورد تأکید شده، اما از مورد سوم صحبتی نشده است. با این حال به نظر می‌رسد که حق بر شادی بیشتر یک حق سلبی در تقابل با دولت و دیگران برای شهروندان ایجاد نماید، به این معنا که افراد اجازه دارند در جستجوی شادی خود و در راستای دستیابی به آن گام بردارند و حکومت نه‌تنها باید مانع نشود، بلکه اجازه ندهد که باقی افراد جامعه نیز مانع آن گردند. در رابطه با اینکه در بیانیه فوق شادی به چه معنا می‌باشد نظرات متفاوتی ارائه شده که اکثریت آن‌ها در مفهوم شادی به سلامت مادی نیز اشاره می‌کنند

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

(۲۵). این امر تا جایی است که اخیراً در این رابطه به طور خاص به بحثی در مورد کودکان پرداخته شده که حق داشتن ژنی عاری از بیماری می‌باشد (۲۶) و بر این اساس والدین در مقابل کودک متولد نشده مسئولیت دارند که اقدامات لازم جهت اطمینان از سلامت ژنتیکی کودک را حاصل نمایند.

باید توجه داشت که تنها راهی که منجر می‌شود این حق افراد و به طور ویژه کودکان در جامعه رعایت شود، داشتن ضمانت‌اجرای روشن در این زمینه است و صرف اشاره به آن در قوانین بدون اینکه ضمانت‌اجرای شفافی داشته باشد، تضمین احقاق آن نخواهد بود. برای مثال، حق دستیابی به شادی در قانون اساسی ژاپن مصوب ۱۹۴۷ نیز آمده است و بر اساس ماده ۱۳ آن، تمامی انسان‌های جامعه باید به عنوان یک فرد مورد احترام واقع شوند؛ حق حیات آن‌ها، آزادی و حق رسیدن به شادی باید تا جایی که با رفاه اجتماعی در تعارض نباشد، از بالاترین ملاحظات در قانونگذاری و سایر امور حکومتی باشد. با این حال، تا به امروز برخلاف سایر حقوق فردی مشخص‌شده در قانون اساسی، حق رسیدن به شادی به طور مستقل دلیل اصلی رأی یک دادگاه نبوده است و دلیل آن این است که قانون اساسی مذکور برای سایر حقوق فردی در مواد ۱۴ تا ۴۰ خود ضمانت اجراها و مصادیق روشن‌تری را تعیین نموده و این امر موجب تسهیل استفاده از آن‌ها به عنوان مبنای طرح دعوای حقوقی و یا صدور رأی دادگاه شده است (۲۷).

۲-۲-۲. حق آموزش کودکان به عنوان مصداقی از حق نشاط آن‌ها: از حق کودک برای آموزش داده‌شدن با تفسیر موسع از مفهوم آموزش و رابطه آن با نشاط معنوی می‌توان به این مهم نیز دست یافت که اگرچه حق نشاط کمتر با ضمانت اجرا در قوانین آمده یا کمتر به آن توجه شده است، لیکن قسمت مهمی از آن را می‌توان تحت عنوان حق آموزش از نوع آموزش‌های نکته‌ای در رابطه با کودکان در نظر گرفت. در این رابطه به ویژه این چالش مطرح می‌شود که آیا این تکالیفی که در رابطه با آموزش‌های دینی و مذهبی و فراهم‌آوردن نشاط معنوی کودکان برای آن‌ها در نظر گرفته شده است، ایجاد حقی برای تعلیم آموزه‌های دینی مورد نظر والدین به آن‌ها نیز می‌نماید؟ (۲۲)؛ در این خصوص به این نکته هم باید توجه نمود که زندگی در صلح نیز از حقوق کودکان است و آنان باید از سوءاستفاده بزرگسالان به دور باشند، به علاوه سیستم آموزشی دارای تکالیفی در مقابل کودکان است که آن‌ها را برای یک زندگی سالم آماده کند، به این معنا که قابلیت‌های لازم را به آن‌ها آموزش داده و در ایجاد محیطی سالم، صلح‌آمیز و به دور از استرس به صورت فعالانه کوشا باشد (۲۸).

بحث و نتیجه‌گیری

در بیانیه استقلال ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۷۷۶ آمده است که تمام انسان‌ها به صورت برابر با حقوق غیر قابل انکاری به دنیا آمده‌اند که حق حیات، حق آزادی و حق تعقیب شادی را به عنوان سه مورد از مهم‌ترین این حقوق برشمرده است (۲۴). با این وجود به دو مورد اول توجه بسیار بیشتری نسبت به مورد آخر شده (۱۶) تا جایی که در اصول متفاوت قانون اساسی آمریکا بر این دو مورد تأکید شده، اما از مورد سوم صحبتی به میان نیامده است، اما به نظر می‌رسد که حق بر شادی بیشتر ایجاد یک حق سلبی برای شهروندان نماید، به این معنا که افراد اجازه دارند در جستجوی شادی خود و در راستای دستیابی به آن گام بردارند و حکومت نه‌تنها باید مانع نشود، بلکه اجازه ندهد که باقی افراد جامعه نیز مانع آن گردند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

در راستای بررسی حق نشاط به عنوان یکی از حقوق مسلم بشر، شایسته است که به حق نشاط کودکان به طور خاص پرداخت، چراکه وقتی در رابطه با حقوق کودک صحبت می‌شود، در حقیقت از دو زاویه دید جامعه و والدین و نیز تکالیفی که در قبال کودکان دارند باید موضوع را بررسی نمود. وقتی از نشاط معنوی کودکان به طور خاص صحبت می‌شود می‌توان آن را در دو مورد آموزش‌های دینی و مذهبی و نیز سلامت روحی و معنوی کودک مورد بررسی قرار داد. در کنوانسیون حقوق کودک که در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا گردید، به این امر توجه شده است که کودک باید در محیط خانوادگی با فضایی که در آن شادی، عشق و درک متقابل موجود است، بزرگ شود (۱۹). به نظر می‌آید در این مورد که شادی را از جمله حقوق کودکان آورده است، بتوان هم نشاط معنوی و هم نشاط مادی را در نظر گرفت.

علاوه بر این، از حق کودک برای آموزش‌داده‌شدن هم به عنوان جلوه‌ای از حق نشاط معنوی یا عاملی مؤثر در تحقق آن باید سخن به میان آورد، لذا با تفسیر موسع از مفهوم آموزش و رابطه آن با نشاط معنوی می‌توان گفت به رغم این موضوع که حق نشاط کمتر با ضمانت اجرا در قوانین آمده یا کمتر به آن توجه شده است، قسمت مهمی از آن را می‌توان تحت عنوان حق آموزش از نوع آموزش‌های نکته‌ای در رابطه با کودکان در نظر گرفت و به ویژه به این مسأله پرداخت که آیا تکالیفی که در رابطه با آموزش‌های دینی و مذهبی و فراهم آوردن نشاط معنوی کودکان برای آن‌ها در نظر گرفته شده است، ایجاد حقی برای تعلیم آموزه‌های دینی مورد نظر والدین به آن‌ها نیز می‌نماید (۲۲). در این خصوص به این نکته هم باید توجه نمود که زندگی در صلح نیز از حقوق کودکان است و آنان باید از سوءاستفاده بزرگسالان در امان باشند.

شادی در بیشتر موارد به بیشترین میزان شعف و تجربه‌های شادی‌آور در زندگی معنا می‌شود، البته این برداشت بیشتر به یک تلاش ملال‌آور برای رسیدن به لذت نزدیک است، در حالی که رضایت و نشاط واقعی که بتواند مانا و پایدار باشد از سلامت روانی نشأت می‌گیرد (۱۷). یکی از اشتباهات رایج، عدم تمییز صحیح دو واژه لذت و نشاط است. لذت‌بردن در حقیقت یک عامل وابسته به شرایط و محیط است که بر اساس زمان و مکان حضور فرد ممکن است متفاوت باشد. به عبارت دیگر لذت‌بردن فرآیند مصرفی است و مثل یک شمع بوده که با استفاده از آن تا یک سقفی می‌توان روشنایی و حس خوب را تجربه نمود. همچنین لذت می‌تواند همراه با خشونت، طمع، قساوت و یا قانون‌شکنی باشد، در حالی که تمام این موارد با شادی و نشاط پایدار در تعارض هستند. با این حال، برخلاف لذت، نشاط مقوله‌ای است که به رغم تأثیرپذیری از محیط به آن وابسته نمی‌باشد. در حقیقت این نشاط و خوشحالی درونی است که می‌تواند ابزاری را هدیه بدهد تا بتوان با آن با شرایط مختلف بیرونی کنار آمد. شاید بتوان گفت که حق سلامت روانی (در مقابل سلامت جسمانی) عنوان دقیق‌تر، شفاف‌تر و عملی‌تری به نظر برسد. نشاط معنوی نیز از موارد بارز بحث سلامت روانی به حساب می‌آید. این بدان معنا نیست که انسان باید خود را از لذت‌های مادی محروم نماید، بلکه با بهره‌گیری از آن‌ها در راستای رسیدن به نشاط معنوی خود گام برمی‌دارد. چنانچه در این راه باقی احساسات متعادل و صحیح آدمی، از جمله غم و همدردی نیز درست پرورش یابد می‌تواند در راه رسیدن به حقیقت نشاط مورد استفاده قرار گیرد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]
[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

تعمق در منابع فقه و روایات اسلامی نشان می‌دهد که از دیدگاه دین اسلام لازم است بین حق نشاط مادی کودک با حق نشاط معنوی وی تناسب وجود داشته باشد. حق نشاط از دیدگاه روایات اسلامی با حق بر تمامیت جسمی و حق حیات گره خورده است به حدی که غم موجب نابودی جسد و بدن قلمداد شده است. داده‌های علم روان‌شناسی و پزشکی روز هم به اثبات رسانده‌اند است که فقدان شادی موجب بیماری روح و جسم بشری است. بنابراین، حق نشاط حق همگان است و روشن است که کودکان استحقاق بیشتری به حق نشاط دارند به نحوی که بازی با کودکان در روایات دینی مورد توصیه اکید قرار گرفته است. از ارکان حسن خلق در اسلام، شوخی و ضحک برای ادخال سرور در قلوب مردم و همنشینان قلمداد شده است. با این حال، لازم است که شادی مادی با شادی و نشاط معنوی همراه گردد و در غیر این صورت، ضحک و شادی مفرط موجب مردن قلب می‌گردد. در نهایت اینکه باید گفت شادی ضروری است، لیکن همراهی آن با نشاط معنوی حیاتی است، لذا تدابیر و اقدامات سیاستگذاران و دولت‌ها در راستای تحقق و پاسداشت حق نشاط کودکان می‌بایستی با ملاحظه ابعاد مختلف مادی و معنوی این حق باشد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

References

1. Negoiță AG. The Concept of Happiness-Individual Right or Divine Gift. Cogito-Multidisciplinary Research Journal. 2020; 3: 29-37.

2. Dabin J. Le droit subjectif. Dalloz; 1952.

3. Valette V. Cours de droit civil. t. I; 1872.

4. Karimi A. Les clauses abusives et la theorie de l'abus de droit. L.G.D.J; 2001.

5. Ihering R. L'esprit du droit romain. Introdution de Meulenaere. 3e ed. t. IV; 1878.

6. Michoud L. La theorie de la responsabilite morale et son application en droit francais. Paris: t. I; 1906.

7. Ritchie David G. Natural Rights: A Criticism of Some Political and Ethical Conceptions. London: George Allen & Unwin; 1895.

8. Ripert G. La règle morale dans les obligations civiles. 4th ed. Paris: L.G.D.G.; 1949.

9. Ford John C. The Natural Law and the Right to Pursue Happiness. Natural Law Institute Proceedings. nr. 4.; 1951.

10. Dehkhoda AA. Dehkhoda dictionary. Tehran: Tehran University Press; 1963. [Persian]

11. Moein M. Moein Persian Dictionary. course. Tehran: Amirkabir Publications; 1992. Vol.6. [Persian]

12. Oxford University Press. The Oxford Learner's Dictionary; 2022. Available at: https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/

13. Maalouf L. Al-Monjid fi al-Loghah. Beirut: Catholic Press; 2010. [Arabic]

14. Aristotle. Nicomahic Ethics. 2nd ed. Scientific and Encyclopedic Publishing House Bucharest; 1998.

15. Miller Fred D. Nature, Justice and Rights in Aristotle's Politics. Oxford: Clarendon Press; 1995.

16. Grodin Joseph R. Rediscovering the State Constitutional Right to Happiness and Safety. 25 Hastings Const. L.Q. 1; 1997-1998.

17. Ricard M. A Buddhist view of happiness. Journal of Law and Religion. 2014; 29(1): 14-29.

18. Lombrozo T. Is Happiness a Universal Human Right?, 20 March 2017. Available at: https://www.npr.org/sections/13.7/2017/03/20/520803361/is-happiness-a-universal-human-right.

19. Convention on the Rights of the Child, 2 September 1990. Available at: https://www.unicef.org/child-rights-convention/convention-text.

20. Collingwood RG. New Leviathan; or, Man, Society, Civilization and Barbarism. Oxford: Clarendon Press; 1942.

21. United Nations. Declaration of the Rights of the Child, GA res. 1386 (XIV), 14 UN GAOR Supp. (No.16) at 19, UN Doc. A/4354; 1959.

22. Binetti MS. The Child's Right to Life, Liberty and the Pursuit of Happiness: Suits by Children against Parents for Abuse, Neglect and Abandonment. Rutgers L. Rev. 1981; 34: 154.

23. Abou EL, Fadl K. When happiness fails: An Islamic perspective. Journal of Law and Religion. 2014; 29(1): 109-123.

24. The Declaration of Independence, 4 July 1776. Available at: https://www.ushistory.org/declaration/document/index.html.

25. Smith George P. II, Pursuing a Right to Genetic Happiness. Journal of Law in Society. 2022; 22(1).

26. Schaefer GO, Labude MK. Genetic affinity and the right to "three-parent IVF". Journal of Assisted Reproduction and Genetics. 2017; 34(12): 1577-1580.

27. Colombo GF. The Right to Pursue Happiness and Japanese Legal Culture: The Hunting of the Snark. J. Comp. L. 2018; 13(2): 33.

28. Schmideberg M. Conclusions: The Inalienable Right To Happiness. International Journal of Offender Therapy. 1970; 14(1): 46-50.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

[DOI: 10.52547/childrights.3.11.27]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.